



خسونت علیه زنان صفحه ۶

اوضاع خوبست به دور آلترناتیو کارگری متحد شویم.

صفحه ۷

دموکراسی کارگری - آنتونیو
گرامشی

زنان افغان و رسانه العربیه

صفحه آخر

دادگاه حمید نوری

صفحه آخر

معضل آب، مدیریت و یا منافع

مدیریت اقتصادی و مبارزات کشاورزان برای حق آب مدتی است که شهرها و استان‌های مختلف در ایران شاهد اعتراضات گسترده‌ای نسبت به کمبود آب در زمینه‌های آشامیدنی و کشاورزی و احتیاجات اولیه است. این اعتراضات عمدتاً در استان‌هایی انجام شده است که در گذشته یکی از سرسبزترین استان‌های ایران بوده است و یکی از منابع آبی ایران بوده‌اند. امروزه بر همه روشن است که رژیم جمهوری اسلامی با برسرکار آوردن افراد مکتبی و کنار زدن افراد تحصیل کرده و متخصص در زمینه محیط زیست و آبها و تقسیم آنها با استفاده از سدهای غیر فنی و تکنیکی صرفاً در جهت تقسیم آنها بر اساس منافع اقتصادی و منابع

انسانی متعلق و یا نزدیک به خود باعث ویرانی طبیعت و بالا کشیدن حق آبه‌های کشاورزان شده است. اما این اول ماجراهای مافیایی است که ناشی از فشار کشاورزان و مردم به برون درز کرده است. افشاکاری‌های مردم باعث شده است که حتی خود رژیم به مافیای آبی به شکل صریحی اذعان کند اما این اعتراف صریح با هدف انداختن مسئولیت مشکلات کنونی به عهده یک باند مافیایی است که معلوم نیست بجز خود دولت چه کسانی هستند. اما سؤال اینجاست که این مافیای آبی تا امروز چه نقشه‌هایی را اجرا کرده است و عناصر رهبری کننده آن چه کسانی هستند. رژیم اسلامی به مدیریت نادرست خود ظاهراً و فقط جهت فریبکاری

صفحه ۲

زنده با مقاومت جانانه مردم اصفهان

بار دیگر دژخیم خونخوار که مشتی جنایتکاران نظامی و مافیایی‌اند تظاهرات و اعتصابات مردم زحمتکش و ستم‌دیده اصفهان معروف به نصف جهان و پایتخت بنیان‌گزاران فرقه شیعی در ایران را با سلاح گرم به خاک و خون کشیدند. خدعه و جنایت و کشتن و خون ریختن سنت دیرینه چهار دهه‌ی جمهوری اسلامی است. دیروز اگر تنها مبارزان و اعضای تشکله‌ها را می‌کشتند و اعدام می‌کردند امروز به گسترش مبارزات و توده‌ای شدن صفوف مقاومت و اعتراضات توده‌های مردم بی پناه را به گلوله می‌بندند. دوران تاریخی جدیدی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی آغاز شده است. در کلیه مصاحبه‌های شرکت کنندگان در اعتراضات برجسته‌ترین

صفحه ۳

وقتی تقسیم ثروت با دولت بورژوازی است

ایلنا خبرگزاری کار ایران می نویسد: **"سهم ثروتمندان از پرداخت مالیات فقط ۴ درصد! / بار سنگین مالیات را از دوش کارگران و بازنشستگان بردارید"** و ادامه می دهد "اعداد و ارقام رسمی نشان می‌دهد در نیمه نخست سال جاری ۱۳۸ هزار ۵۱۹ میلیارد تومان مالیات از بخش‌های مختلف وصول و به خزانه دولت واریز شد، این رقم در حالی به دست آمده که بالغ بر ۱۳۵ هزار و ۳۱۷ میلیارد تومان برای ۶ ماهه اول امسال از سوی مجلس مصوب شده بود" و نیز "براساس این گزارش خزانه داری، شهروندان ۵۱ هزار و ۵۹۰ میلیارد تومان مالیات کالا و خدمات، شامل مالیات نقل و انتقال خودرو، فروش و مصرف سیگار، ارزش افزوده، شماره‌گذاری خودرو و

سایر موارد پرداخت کردند. از این میزان ۴۰ هزار ۶۰۰ میلیارد تومان سهم مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. در بخش مالیات‌های مستقیم که شامل مالیات بر ثروت، درآمد و شرکت‌ها و اشخاص حقوقی می‌شود نیز ۸۶ هزار و ۹۲۹ میلیارد تومان درآمد به خزانه واریز شد. از این میزان ۶ هزار و ۳۶۰ میلیارد تومان سهم مالیات بر ثروت، ۳۴ هزار و ۷۴۴ میلیارد تومان سهم مالیات بر درآمد و اشخاص حقوقی نیز ۴۵ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان در این مدت واریزی به خزانه داشته‌اند.

بنابراین اگر کمی با دقت به این اعداد و ارقام نگاه کنیم، متوجه می‌شویم بیش از نصف درآمد مالیاتی، از مالیات بر ارزش

صفحه ۳

در دفاع از تشکلات مستقل کارگری

طبقه کارگر ایران برای تبدیل شدن به آلترناتیو سیاسی و کسب قدرت سیاسی از مسیر سخت و بغرنجی تا به امروز گذشته و در عین حالی که در نبردهای پی در پی پیروزی‌هایی بدست آورده اما بیانیه‌های شتابزده، نیابتی از یکسو و یا موتور کوچک آن شدن از سوی دیگر با واقعیت تاریخی مبارزه طبقه کارگر ایران تطابق نداشته و ندارد. امروز بار دیگر جنبش کارگری ایران برای پیش روی به جلو باید انتخاب کند. در دو دهه گذشته کارگران توانسته‌اند طی مبارزات بسیار سختی در عمل با رد نظراتی که در شرایط دیکتاتوری نمی‌شود اتحادیه یا سندیکای علنی مستقل خود را بوجود آوردن بطور پایدار همچنان در صحنه باقی ماند تشکلهای مستقل خود

صفحه ۵

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!



معضل آب... بقیه از صفحه ۱

و معطل کردن و زمان خریدن برای فرار از اعتراضات کنونی هم اذعان دارد. بر طبق معمول وعده‌های متعدد از جانب رئیس جنایتکار دولت هم داده شده است، اما اینها هیچ‌کدام برای کسانی که آبی برای آشامیدن و کشاورزی و ادامه زندگی ندارند حل مسئله نیست.

این حقیقت را نمی‌شود کتمان کرد که ایران دچار خشک‌سالی و کمبود آب است ولی این نسبت به مشکلات کنونی در صد بسیار ناچیزی را در بر می‌گیرد و بقیه مشکلات ناشی از سیاست‌ها و عملکرد دولت طی بیش از چهار دهه گذشته بوده است. بارها متخصصین و کارشناسان مسائل زیست محیطی و آب‌ها و منابع طبیعی به مدیران دولتی طرح‌ها و سیاست‌های نادرست آنها را در این زمینه توضیح داده‌اند ولی منافع و گروهی این دارودسته مرتجع و عقب مانده اجازه بازبینی را به آن‌ها نداده و در آینده هم مگر به زور مردم نخواهد داد.

اعتراضات بزرگ کنونی ادامه اعتراضاتی است که سالها مردم از طبقات و اصناف و قشرهای مختلف به زبان‌های مختلف و تحصن آنرا به گوش مقامات رژیم جمهوری اسلامی رسانده و مورد بی محلی و فراموشی عمدی حاکمان و سرکوب قرار گرفته است. اما این بار تظاهرات خوزستان و اصفهان و دفاع جانانه مردم از معترضین وضع اعتراضی را به شکل اساسی تغییر داده است. آن دوران گذشته است که رژیم با تعدادی از کشاورزان و یا کارگران کشاورزی و محلات بی آب روبرو باشد که بتواند با وعده و سرکوب آنرا کنترل کند.

شکل وسیع و توده‌ای اعتراضات و تظاهرات اخیر زنگ خطر اعتراضات گسترده‌تری را برای رژیم به صدا در آورده است به همین دلیل رژیم با دستپاچگی، هیئت حل مشکل تشکیل می‌دهد و خیرگزاری‌های دولتی از جمله جوان آنلاین و تسنیم مجبور به انتشار گزارش اعتراضات اخیر شده‌اند. اعتراضات خوزستان بعلت گسیل نیروهای امنیتی و سرکوب خشن آن با کشت و کشتار به پایان رسید ولی اعتراضات اصفهان نه رنگ ملی و نه خارجی می‌توانست به آن کوبیده شود. اصفهان که زمانی یکی از پایگاههای انسانی رژیم اسلامی بود این بار با پشتیبانی از کشاورزان اصفهان و صف‌های طولانی و شب‌های متعدد در

کنار پل خواجه با کشاورزان و خانواده‌هایشان همراه شدن، نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی طرد خود را از طرف عظیم‌ترین توده‌های مردم در همه جا فهمیده است. اگر در گذشته زیر سرکوب اعدام‌های گسترده و شکنجه رژیم می‌خواست که گورستان و سکوت اجتماعی بیافریند ولی امروز اکثریت مردم استثمار شده و ستم‌دیده رژیم اسلامی را در همه جا در محاصره گرفته‌اند. هیچ راه فراری برای رژیم متصور نیست. دزدی و کثافت‌کاریهای مالی و زود بندهای دولتی آنچنان وضعی را بوجود آورده است که حتی اگر رژیم هم بخواهد با سیستم‌های کنونی امکان جبران و اصلاح را ندارد. مسئولین رده بالای رژیم جواب اعتراضات را با توسل به برکت و رحمت الهی و موکول کردن حل آنها به چند ماه آینده، داده‌اند. اما زمان کشاورزی به طبیعت و محیط زیست گیاهی ارتباط دارد و نه وعده‌های حاکمین. امروز کشاورزان ما در خوزستان و اصفهان احتیاج به آب دارند. فردا حتی اگر مشکل آب حل شود، کشاورزی حداقل امسال از دست رفته است. کشاورزان درخواست‌هایشان بسیار منطقی است آنها می‌گویند حق آبه کشاورز باید داده شود. دولت غیر مستقیم و مستقیم پیشنهاد پرداخت پولی می‌نماید. این فریبی است که راه حل موقت را برای پراکنده کردن اعتراضات در پیش گرفته است. وقتی مسئله آب و مدیریت آن همچنان زیر نظر یک دولت فاسد و بی لیاقت و ناکارآمد بدون راه حل همانند دادن پول فقط یک راه حل موقت و فریب است. مشکل آب در ادامه مجموعه‌ای از مشکلات اجتماعی و سیاسی و زیست محیطی ایران و در ارتباط با منافع طبقه حاکم شکل گرفته است. در ایران بعلت اینکه دولت اسلامی خواهان دخالت در خصوصی‌ترین ابعاد زندگی اجتماعی و شخصی افراد و گروههای اجتماعی است هیچ مناسبات و ساختاری مستقلی وجود ندارد که مخالف دولت نباشد. دولت به عنوان یک سازمانده بزرگ اجتماعی و مرکز قدرت سیاسی در جامعه در اساسی‌ترین خواست‌های طبقات فرودست اجتماعی در برابر آنها قرار دارد. در مسئله آب هم نقش دولت در بوجود آمدن وضع کنونی اصلی است. توهم اینکه اذعان دولت به " اشتباهات و عدم مدیریت صحیح" به مفهوم حل شدن مشکلات کشور از جمله آب و بحران اقتصادی است، خاک پاشیدن به چشم مردم در جهت تحقق خواسته‌های عادلانه‌شان است.

آخرین مسئله در موضوع آب و بحرانی که باعث تظاهرات ده‌ها هزار نفری در خوزستان و اصفهان و چند استان دیگر شد، نصیحت اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت و خوشحالی سلطنت طلبان بخاطر دادن شعار رضا شاه.

تاریخ و سنت اصلاح طلبان بویژه در دوران جمهوری اسلامی همیشه نگرانی از عدم حفظ اسلام و جمهوری اسلامی بوده است و آن‌ها هیچگاه پشتیبانی واقعی از مردم ستم‌دیده و استثمار شونده نداشته و ندارند.

اما سلطنت طلبان نه نگران کشاورزان خوزستان و اصفهان و یا کارگران و زنان هستند، نگرانی آن‌ها از دست رفتن حد و ثغوری است که آن‌ها در منافع مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری می‌بینند. سلطنت طلبان از مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی در حدی که دفاع می‌کنند که در آینده خود را در ادامه مبارزات مردم و بر شانه‌های آنان در قدرت سیاسی و یا بخشی از آن ببینند. به همین دلیل تمامی دلایل نگاه آنها از خواست‌های کشاورزان اصفهانی و پشتیبانی مردم از آنها در دادن شعار رضا شاه برجسته شده است.

خوشبختانه تظاهرات کشاورزان و پشتیبانی مردم اصفهان بیش از دو هفته و پایداری و نظم این حرکت خواست‌های مرتجعین از حاکمین اسلامی تا اپوزسیون بورژوازی را نقش بر آب کرده است. ادامه کاری مبارزاتی مردم نشان داده است که نیروهای اجتماعی وارد صحنه اجتماعی شده‌اند، که بسیار فراتر از محدودیت‌های نیروهای مرتجعی مانند سلطنت طلبان و اصلاح طلبان حکومتی وارد یک چالش اجتماعی با قدرت سیاسی حاکم شده‌اند. گسترش سازماندهی و متحد شدن کارگران، زنان، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و... همچون دیوار محکم جلوی هر تعرض فکری و سرکوبگرانه را خواهد گرفت. اعتراضات اصفهان در ادامه مبارزات کشاورزان خوزستان گسترش یافت اما این اعتراضات بیش از آنکه رژیم اسلامی انتظار داشت وسیع و توده است شده است. امروز حق آبه کشاورزان یکی از خواست‌ها است. این بخشی از جنبش حق طلبانه‌ای است که بیش از چهار دهه با پایمال شدن حقوق اولیه مردم بویژه طبقات فرودست شکل گرفته است. ما از این اعتراضات حمایت کرده و رژیم جمهوری اسلامی را برای پایمال و غارت کردن حقوق ستم‌دیدگان و استثمار شونده‌گان جامعه محکوم می‌کنیم. با بودن این رژیم مشکلات کنونی



سیستم اقتصادی و سیاسی موجود نیست. در ایران یک سیستم فساد و نابرابری نهادینه شده در ساختارهای جامعه و آنهم از بالا وجود دارد. اگر خاوری سالها پیش با دزدیدن میلیاردها دلار به کانادا گریخت و زیر بال دولت بشدت دمکرات کانادا قرار گرفت در ایران هم هر رانت خواری یا حکومتی است و یا وابسته به آقازاده و شرکت‌های وابسته به آنهاست. بسیاری از مدیرانی که متهم به دزدی شدند شغل‌های بالاتر گرفتند. فقط آن‌هایی مورد پیگرد قرار گرفتند که یا حاکمیت دیگر به آنها احتیاج نداشت و یا بایستی جای خود را به افراد جناح‌های دیگر می‌داند.

مسئله تقسیم و توزیع ثروت موضوعی نه صرفاً ساختاری بلکه در درجه اول طبقاتی است که با منافع طبقات حاکم سرمایه داری تطابق دارد. بورژوازی تمامی منابع تولید ثروت و ارزش و کالا را در دست دارد و از همین طریق نیروی کار - طبقه کارگر- را مورد استثمار قرار می‌دهد. سرمایه داری برای تثبیت این استثمار و با استفاده از قوانین اساسی خودش آنرا بصورت ساختاری نهادینه در جامعه در می‌آورد. اما بورژوازی در ادامه رشد و گسترش خود برای کسب سود بیشتر فقط متکی به استثمار نیروی کار نیست. سرمایه داری با بهره گیری از سرمایه مالی، بازار بورس و زد و بند های پشت پرده تلاش می‌کند که سود خود را به فوق سود و ابر سود برساند. کاهش دستمزدها و افزایش ساعات کار بخشی از اعمالی است که سود بیشتری را برای سرمایه تامین می‌کند. نابرابری نهادینه شده در تمامی سیستم های سرمایه داری کنونی جهان وجود دارد و هر روز این نابرابری بیشتر هم می‌شود. اما در جامعه ما در اینکه تمامی سیستم های استثماراری علیه کارگران و مزدبگیران دوز پایه وجود دارد، ولی در کنار آن موضوع زد و بند و دزدی افراد و جناح های قدرتمند دولتی و سرمایه داری خصوصی در سطح وسیعی در جامعه فعال بوده و بطور دائم یا از طریق دزد و رانت خواری و یا دریافت وام های عظیم مالی، فرار مالیاتی، گمرک های خصوصی و قاچاق کالاهای غیر رسمی دولتی به سرکیشه کردن و غارت نه تنها نیروی کار بلکه منابع طبیعی جامعه مشغول هستند.

در حال حاضر حکومت ایران به تمامی منابع کسب و کار جامعه چنگ انداخته است. حتی ماهیگیران هم از این انحصاری شدن منابع ثروت توسط دولت بی‌نسیب نمانده است و

وقتی تقسیم ثروت... بقیه از صفحه ۱

افزوده و مالیات بر درآمد به دست آمده است (مجموع ۴۰ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان و ۳۴ هزار و ۷۴۴ میلیارد تومان) یعنی بیش از ۷۵ هزار میلیارد تومان از درآمد ۱۳۸ هزار میلیارد تومانی مالیات در نیمه نخست سال را مزدبگیران و مردم عادی پرداخته‌اند؛ این در حالیست که سهم مالیات بر ثروت فقط ۶ هزار و ۳۶۰ میلیارد تومان بوده است یعنی چیزی حدود چهار درصد درآمد مالیاتی کشور!

البته گزارش ایلنا موضوع تازه‌ای در نابرابری عظیم طبقاتی و ثروت که در جامعه ما وجود داشته و هر روز گسترش می‌یابد نیست. اما آنچه که تازگی دارد، طرح موضوع در یک رسانه رسمی است. طرح این نابرابری ثروت در حالی که اعتراضات به نابرابری و بی‌عدالتی در جامعه دیگر به یک عمل روزانه حقوق بگیران و کارگران و زحمت‌کشان تبدیل شده است، بیش از بردن آگاهی نقش سوپاپ اطمینان را برای خوراندن خبرهای دیگر انجام می‌دهد

در جایی دیگر در همین رسانه ایلنا آمده است "سخنگوی قوه قضاییه درباره آخرین وضعیت پول‌شویی در استان گلستان نیز گفت: در قوه قضاییه بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی به صورت جدی پیگیری می‌شود و این امر اختصاص به تهران ندارد و در همه استان‌ها این مبارزه با مفاسد اقتصادی پیگیری می‌شود. در همین راستا یکی از پرونده‌هایی که تشکیل شده در استان گلستان است که در این پرونده که با کیفر خواست به دادگاه ارسال شده ده نفر به اتهام پول‌شویی و سایر جرائم که موضوع پرونده حدود هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان است تحت تعقیب قرار گرفته‌اند."

آیا خبری که ایلنا در باره پول‌شویی استان گلستان آورده است، اولین بار است که در ایران اتفاق می‌افتد؟ خبرهایی از این دست و قول رسیدگی به آنها دیگر به یک موضوع خنده‌دار برای مردم تبدیل شده است. وقتی روزانه قیمت‌ها بالا می‌رود و بیش از ۱۵ میلیون نفر در کشور ما زیر خط فقر دستمزد دریافت می‌کنند. برای هیچ رسانه متعهد و منصفی توهم تغییر سهم ثروت اجتماعی با

جامعه ایران قابل حل نیست. برای تامین اولیه حقوق انسان‌ها به مثابه شهروند بایستی رژیم جمهوری اسلامی و ساختارهای سیاسی و اجتماعی آنرا ویران و بر ویرانه آن ساختارهای اجتماعی نوین و مدرنی ساخت که بر اساس شعار "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش" عمل کند.

ع.ع

زنده با مقاومت جانانه... بقیه از صفحه ۱

نکته این بود که می‌گفتند جهادی بوده‌اند، به جمهوری اسلامی رأی داده اند، مسلمانند، و به گفته خودشان از پشتیبانان سخت و سفت رژیم خمینی بوده‌اند. اما امروز از صف آنها کنده شده و به صف مخالف پیوسته‌اند. نکته پر اهمیت دیگر شرکت زنان کشاورز در این اعتراضات و ایستادگی و مقاومت آنها از برجسته‌ترین دستاوردهای این چند روز مردم اصفهان است. هر روز که می‌گذرد و با هر قدمی که حاکمان بر میدارند حلقه محاصره خود را تنگ‌تر می‌کنند. منطق رژیم جمهوری اسلامی از همان روز اول همین بوده است و همچنان ادامه دارد. منطق آنها بر مواضع طبقاتی‌شان و باورهای شیعه‌گری‌شان استوار است. اقتصاد سرمایه‌داری اسلامی‌شان از نوع مافیایی نئولیبرالیستی است و شیعه‌گری اسلامی‌شان هم بر اساس تعصب فرقه‌ای و سکتاریستی شکل گرفته است. در برابر آن منطق کارگران و زحمت‌کشان است، منطق مقاومت و مبارزه، افتادن و بلند شدن، اتحاد تا پیروزیست. امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت متشکل شدن در کارخانه‌ها، و موسسات تولیدی و خدمات، تشکل‌ها را به هم پیوند دادن و سراسری کردن دیده می‌شود. تجارب طولانی مبارزات کارگران و زحمت‌کشان نشان می‌دهد چاره‌ای جز متشکل شدن در لایه‌های مختلف از واحدهای کوچک تا بزرگ، از تک خواست داشتن تا خواست سیاسی عمومی و سراسری برای شرکت در نبردهای پی‌درپی نیست. اوضاع هر روز برای انقلاب کردن بهتر می‌شود. در برابر نیروی لایزال کارگران و زحمت‌کشان هیچ نیرویی را دیگر یارای مقاومت نخواهد داشت.

حزب رنجبران ایران

ایجاد حزب واحد و سرتاسری کمونیست یک ضرورت تاریخی است



دولت در شیلات جنوب و شمال با راه اندازی قایق‌های نیمه دولتی و شرکت‌های خصوصی سعی به تسلط بر این صنعت کرده است. البته انحصاری کردن روندی است که در حال تشدید شدن در اکثر کشورهای جهان است اما دولت‌های بزرگ آنرا بصورت قانونی جلو برده و وجه تمام طبقاتی خود را حفظ می‌کند. در ایران مسئله انحصار تنها در ید دولت و اعوان و انصارش است. در واقع دولت در ایران یک دولت بوروکراتیک-نظامی است که به نقش نظامیان در انحصاری کردن منابع ثروت و کسب سود بیشتر تکیه داشته صنعت‌های کوچک را به بورژوازی خصوصی سپرده است. در کشورهای متروپل در کنترل نابرابری و جلوگیری از انقلابات و شورش‌های اجتماعی سطحی را برای حداقل زندگی تعیین کرده‌اند و آنرا توسط خدمات دولتی و اجتماعی ارائه می‌دهند. این خدمات غذا و مسکن و پوشاک و تحصیل و بهداشت را در سطح بسیار اولیه‌ای تامین می‌کند. اما در کشورهایی مانند ایران که یک سرمایه‌داری وحشی و انحصاری حاکم است تامین اجتماعی بسیار پائین بوده و خدمات عمومی اجتماعی مانند بهداشت و تحصیل رایگان عملاً وجود ندارد. و یا در سطح بسیار نازلی ارائه می‌شود. البته اینها کشورهای ثروتمند و نفتی جهان هستند.

در جامعه ما بعلت تمرکز قدرت سیاسی در استان ولایت فقیه عملاً ساختار فاسدی شکل گرفته که فقط با تسلیم و عبودیت به بیت خامنه‌ای اجازه دزدی و چپاول و بی قانونی حتی خود رژیم را به مدیران دولتی می‌دهد. بطور مثال بارها از صندوق‌های مختلف بازنشستگان، معلمان، خدمات اجتماعی دزدی شده است. جواب تشکیل پرونده و احکام تعلیقی برای رد مال و غیره بوده است. دولتی که میلیاردها دلار برای تامین حضور منطقه‌ای خود خرج می‌کند ولی کودکان در بسیار از روستاهای مرزی از امکان داشتن یک مدرسه مناسب محروم هستند. مردمی که حتی قادر به خرید نان نیستند از یارانه‌ای استفاده می‌کنند که کفاف خرید نان روزمره را هم نمی‌دهد. مدارس انتفاعی به یک مدل عادی در آموزش و پرورش تبدیل شده است. دارو و خدمات بهداشتی دیگر مجانی و رایگان نیستند. هر چیز که قرار بود در خدمت جامعه باشد برای کسب سود به بخش‌های خصوصی و آقازاده‌ها فروخته شده است. از جمله بسیاری از معادن، مناطق جنگلی

و پارک‌ها، خصوصی سازی اکثر منابع ملی (عمومی) توسط خود مدیران دولتی تصاحب شده و ثروت‌های عمومی را به جیب تعدادی از سرمایه‌دارانی می‌ریزد که نه مالیاتی پرداخت می‌کنند و نه خواهان سرمایه‌گذاری برای رشد ثروت عمومی جامعه هستند. در چنین نابرابری که ثروت‌های عمومی به غارت سرمایه‌داری می‌رود و پول‌های سرسام آور و هنگفت در فساد و زد و بند به خانه خرابی و نابسامانی کارگران و بازنشستگان و حقوق اولیه شهروندان از جمله زنان انجامیده است. بانک ملی حداقل حقوق برای یک خانواده چهار نفری را در حومه تهران برای سال ۱۳۹۹، ۹ میلیون تومان ارزیابی کرده است. در نتیجه هیچ رابطه منطقی بین کار، ثروت و درآمد ناشی از کار نیست. اکثریتی که بایستی دو یا چند شفته و چند نفر از جمله کودکان در بیرون کار کنند تا شکم‌ها گرسنه نماند در طرف دیگر ما شاهد خانه‌های لوکس ده‌ها میلیاردی هستیم.

برنامه حزب رنجبران سال‌ها پیش با توجه به این وضع در کنگره سوم آورده است. "با توجه به رشد ناقص الخلقه بورژوازی ایران، عمدتاً تجاری و دلال است. درصد کمی از کارگران ۱۰٪ در کارگاه‌های صنعتی بیش از ده نفر متمرکزند. اکثریت بالای کارگران در کارگاه‌های کوچک تولیدی کمتر از ۱۰ نفر، در بخش خدمات، کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، معادن، برق و گاز، ساختمان و ... مشغول هستند. تقسیم بندی کارگری عبارت است از: ۵,۵ میلیون کارگر صنعتی، ۳ میلیون کارگر کشاورزی و ۱۰ میلیون کارگر خدماتی؛ طبقه کارگر در اوائل قرن بیستم وزنه سنگینی را در کل تولید کنندگان جامعه تشکیل می‌داد. ولی با رشد مناسبات سرمایه‌داری، پیوسته بر تعداد آن افزوده شده و در این روند مبارزه اقتصادی‌اش نیز شدت گرفته است. از آنجاکه مبارزات طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در ایران در عین ارتباط با هم (نه در درون هم و در پیوندی فشرده)، تا حدی موازی هم رشد کرده‌اند، جنبش کارگری هنوز نتوانسته است از درون خود کادرهای کمونیستی فراوانی به وجود آورد؛ وجود دیکتاتوری عریان چه در دوران رژیم سلطنتی و چه در جمهوری اسلامی باعث شده تا کارگران حتی از داشتن تشکلهای صنفی و مستقل خود محروم باشند. در عین حال سازماندهی هر بخش از طبقه کارگر در درگیری‌های مختلف با سرمایه‌داران و رژیم توسط کادرهای

کارگری خود ساخته انجام گرفته و نه توسط کادرهای کمونیستی. در نتیجه مبارزه برای ایجاد تشکل مستقل کارگری عمدتاً میتواند توسط این کارگران و با تکیه به اینان به پیش برده شود. با این وجود، مبارزه طبقه کارگر بدون رهبری حزب کمونیست، قادر به ایجاد یک تشکل واحد سراسری مستقل کارگری و ایجاد یک جریان سراسری هدمند بخاطر سرنگونی رژیم سرمایه‌داری ایران، کسب قدرت توسط پرولتاریا، برانداختن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و ساختمان سوسیالیسم، نخواهد شد. به این جهت طبقه کارگر ایران هنوز کاملاً از طبقه‌ای "در خود" به طبقه‌ای "برای خود" تبدیل نشده است؛ - روند افسار گسیخته واردات کالاها به صورت قاچاقی که تخمیناً ۳۰٪ کل واردات ایران را تشکیل میدهد، صنایعی نظیر تولید شکر، چای، پارچه و غیره را با مشکلات جدی روبه رو ساخته و به رشد بیکاری در صفوف طبقه کارگر افزوده است؛ - سیاست تعدیل ساختاری دیکته شده توسط سرمایه بین المللی و متعاقب آن فروش کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی؛ دست بالا داشتن سرمایه‌های تجاری و مالی باعث شده تا کارخانه‌ها یکی بعد از دیگری به تعطیلی کشانده شده و کارگران در ابعاد ده‌ها هزار نفری بیکار شوند؛ - تلاش رژیم برای فلج کردن قانون کار نیم بند قبلی، جهت باز گذاشتن دست سرمایه‌داران در اعمال قانون جنگل در کارخانه‌ها، باعث شده تا نه تنها کارگران کارگاه‌های کوچک کمتر از ۵ نفر از شمول قانون کار نیم بند موجود حذف شوند بلکه این خطر کلیه کارگران کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر و حتی بیشتر را نیز تهدید می‌کند. به‌علاوه، رژیم با تلاش برای حاکم نمودن قانون استخدام موقت که هم اکنون بیش از ۵۰٪ کارگران را شامل میشود زمینه را هرچه بیشتر برای استثمار کارگران در ابعادی فاجعه آمیز آماده نموده است؛ - افزایش پیوسته مبارزات و حرکتهای اعتراضی کارگران ایران علیه کارفرمایان، نشان می‌دهد که تضاد کارگران با نظام سرمایه‌داری ایران در حال تشدید است و عمق می‌یابد. " برنامه حزب رنجبران وضعیت بورژوازی ایران بدین گونه تشریح می‌کند "با توجه به قدمت دولتهای متمرکز و مستبد در ایران، پس از رفم‌های ارضی محمد رضا شاه، باز هم دولت و لذا سرمایه بوروکراتیک نقش غالب را در نظام سرمایه‌داری ایران داشته است؛ بورژوازی



تکاملش همیشه استعمارگران و امپریالیستها نقش موثری داشته و هر گاه و هر زمان از سوی کارگران و فرودستان در خطر بوده‌اند آنها به کمکش آمده‌اند.

این اولین بار نیست که در تاریخ صد و اندی سال بورژوازی ایران برای ادامه قدرت خود هنگامی که خطر خیزش تهیدستان و فرودستان را حس می‌کند با طبقات مرتجع داخلی و با امپریالیستها دست به یکی می‌کند، باصطلاح ملی‌گرایی و دموکراسی خواهی را به فراموشی می‌سپرد و به حکومت دیکتاتوری مطلقه برای سرکوب انقلاب کارگری رو می‌آورد. این تفاوت ماهوی سرمایه‌داری ایران است که در دوران تاریخی امپریالیسم و انقلابات پرولتاریایی تکامل یافته است. بورژوازی ایران انقلاب مشروطیت را باطل کرد و به دیکتاتوری مرد مقتدر رضا خان میرپنج سپرد، محمد رضا شاه دستاوردهای دموکراتیک پس از شکست فاشیسم را با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ آمریکایی - انگلیسی مصادره کرد و بورژوازی ایران بار دیگر منافع خود را در رضا شاه دیگری دید. همینطور است در انقلاب ۵۷. خیزش توده‌های میلیونی بستوه آمده همراه بود با بزرگترین سازماندهی و اعتصابات کارگری در ایران. کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایران بعنوان یک نیروی چپ ضد امپریالیستی توانسته بود به صدای مشترک اپوزیسیون رادیکال و فرودستان تبدیل شود.

خطر رشد بدیل کارگری بار دیگر بورژوازی انگلی ایران را هراسان کرد و بار دیگر همه جناح‌های بورژوازی با یاری امپریالیسم جهانی و تصمیم جمعی گوادولپ دیکتاتوری لعین را بر جنبش کارگری تحمیل کردند. در این چهار دهه بورژوازی ضمن توافق با سرکوب جنبش کمونیستی و کارگری باهم بر سر تکامل سرمایه‌داری ایران نوع دولتی و یا خصوصی اختلاف داشتند که بنظر می‌رسد به سود حاکمیت یک دست ولایت فقیه با انتخاب رئیسی فعلاً خاتمه یافته است.

اما اوضاع جهانی و اوضاع ایران با گذشته کاملاً متفاوت است و به همین ترتیب در سطح جهانی با صف آرائی جدید قدرت‌های بزرگ مواجه هستیم.

در ایران بر اثر رشد سرمایه‌داری طبقه کارگر به نیروی تعیین کننده‌ای در تولید و چرخ توزیع تبدیل شده است و از همه مهمتر در همین شرایط سرکوب و دیکتاتوری مطلق توانسته خود را سازمان دهد، در سراسر ایران هر جا کارگاهی هست و سرمایه‌ای در کار

بازار و منابع وسیع انسانی برخوردار است و در این زمینه جز کشورهای ثروتمند جهان به حساب می‌آید ولی به لحاظ رده بندی درآمد از کشورهای فقیر جهان به حساب می‌آید. سرمایه‌داری حریصی که در یک هرج و مرج قانونی هر سیاست و رفتاری علیه کارگران و زحمت‌کشان را جایز و دستمزدها را چند برابر به زیر خط فقر برده است، اینکه بازارهای بیرون از کشورها را در زمینه فرار سرمایه و سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر هدف قرار داده است. کنترل بر این سرمایه بعلت حضور رقبا و فساد بالائی‌ها و نیز عدم قوانین روشن دیگر قابل اجرا نیست. در نتیجه بحث اصلاح سیستم سرمایه‌داری در ایران بحثی کهنه شده و شکست خورده است. اما برای اینکه اختلاف فقر و ثروت در بین افراد جامعه از بین برود و تلاش هر فرد برای کمک به کل جامعه همراه تلاش کل جامعه در خدمت کمک به افراد جامعه باشد، بایستی سیستم سرمایه‌داری و حاکمیت سرمایه را در جامعه بر انداخت و این تنها راه نجات از رنج و محنتی است که بشریت فرودست از شرایطی که برایش بوجود آورده اند، خلاصی خواهد یافت.

ع.ع

در دفاع از تشکلات... بقیه از صفحه ۱

را بوجود آوردند و امروز با تمام توطئه‌های نمایندگان سرمایه، سندیکای هفت تپه و اتوبوس رانی تهران راه گشای گسترش و هم‌گرایی تشکلات کارگری می‌باشند. تاریخ مبارزه طبقه کارگر در این صد سال گذشته خود گواهی بر این حقیقت که باید بر روی سازماندهی کارگری طبق شرایط مشخص ایران در هر شکل پافشاری کرد، مهم و تعیین کننده خط مشی مبارزاتی آنها و استقلال آنها از سرمایه و حکومت است. بحران ساختاری سرمایه در ایران، فشار حداکثری امپریالیسم آمریکا خیزش‌های رادیکالیزه شده فرودستان بار دیگر بورژوازی ایران را بر آن داشته برای حفظ منافع و نجات خود در سطح جهانی و داخلی برای جلوگیری از رشد جنبش کارگری تلاش مذبوحانه کند. این امر از ماهیت بورژوازی ایران بر می‌خیزد که در رشد و

(بوروکراتیک) ایران به امپریالیسم وابسته است. این بورژوازی به‌طور مستقیم در قدرت سیاسی (دولت) سهم دارد و تحت پوشش سازمان‌هایی از قبیل بنیاد مستضعفان و جان‌بازان، بنیاد شهید و... عمل می‌کند. این بورژوازی مکنده اصلی درآمد نفت کشور است. در سال‌های اخیر این قشر بر بازار بورس نیز تسلط کامل یافته است. به این دلیل تضاد کارگران در درجه اول با کارفرمایی به نام دولت است که در کسوت نهادهای مختلف خود را نشان می‌دهد؛ - بورژوازی متوسط ایران، اوج پیروزی‌هایش را در زمان مصدق جشن گرفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این طبقه در زیر ضربه سرمایه بزرگ و وابسته به امپریالیسم تضعیف شده و هرگز قادر نگردید توده‌های مردم را به سوی خود جلب کند و در شرایط جدید تاریخی نیز راه نجاتی جز کنار آمدن با سرمایه‌های امپریالیستی و قبول سیاست‌های بورژوازی کمپرادور - بوروکراتیک، ندارد؛ سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی در تلاش برای تطابق با حرکت سرمایه فراملی است که بلعیدن بازار جهانی را از طریق خصوصی سازی موسسات تولیدی دولتی، هدف قرار داده است؛"

نمای عمومی که برنامه ارائه داده است در حین تکامل و رشدش به اختلاف بیشتر طبقاتی و ثروت بین کارگران و زحمت‌کشان و بورژوازی انجامیده است. فقر دیگر در بین بیکاران نیست، فقر حتی در بین افرادی که کار می‌کنند در سطحی وسیع وجود دارد. دستمزدها آنچنان پایین نگه داشته شده است که کارکنان دو پایه هم قادر به تامین مایحتاج زندگی نیستند. فقر از نابرابری اولیه در اقتصاد و درآمد آغاز می‌شود و سپس به سطح رابطه گسست از همه مظاهر زندگی می‌انجامد. در کودکان کار، دختران فراری، پدران و مادرانی که قادر به تامین غذای مناسب برای فرزندان خود نیستند فقر روابط تازه‌ای از بندگی و برده‌گی را بوجود می‌آورد. وقتی بورژوازی قرار است یک جامعه را سازماندهی کند و سود معیار این سازماندهی در جهت فربه کردن سرمایه‌داری است، وقتی پول پول می‌آورد و رانت خواری و بازارهای سهام و پول‌های مجازی منبعی برای درآمد سرمایه و همچنین منبعی برای ایجاد فقر بیشتر برای مزدبگیران و کارکنان جامعه است.

با اینکه ایران از منابع وسیع زیر زمینی و طبیعی، موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیک،

نفی‌گرایی در جنبش کمونیستی یک ایده پاسبویستی است



در سالگرد خیزش آبانماه ۹۸

دید طولانی به امر سازماندهی همه جانبه و چند لایه ای طبقاتی پرداخت. احزاب و سازمان های کمونیستی و سوسیالیستی موجود با گرایش های گوناگون سالهاست برای وحدت و همگرایی تلاش می کنند. امروز با گسترش مبارزات کارگری شرایط مساعدی برای یکی شدن آنها در تشکیلاتی واحد با نقد گروه‌گری و خود مرکز بینی بوجود آمده است.

سوم آلترناتیو کارگری برای اتحاد بزرگ کلیه ستمدیگان و استثمار شوندهگان

پرولتاریا، طبقه کارگر به تنهایی نمی تواند رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری را به زیر کشد و نظام سوسیالیستی را مستقر نماید. انقلاب کارگری یک انقلابی است که اکثریت عظیم مردم را تا حد ۹۹ درصد را می طلبد چون طبقه کارگر جز نیروی انسانی و تشکیلاتش هیچ وسیله دیگری در برابر قدرت مسلط بورژوازی حاکم که تا دندان مسلح است ندارد. آلترناتیو کارگری چتر است که طبقه کارگر بالای سر کل اکثریت عظیم مردم ستمدیده و استثمار شونده ایران که امروز تا بیشتر از نود درصد از جمعیت را در بر می گیرد، نگه میدارد.

تحقق کلیه برنامه‌های بالا در گرو درستی خط مشی سیاسی عمومی پرولتاریا با هدف براندازی نظام سرمایه‌داری کنونی است. خط مشی سیاسی عمومی که بتواند کلیه این تشکلات و جنبش‌ها را روی منافع مشترک بطور ارگانیک و دیالکتیک پیوند دهد؛ طبقه کارگر را به نیروی آگاه و رهبری کننده آلترناتیو کارگری تبدیل کند و توده‌ها در عمل به این حقیقت برسند که کارگران درست می گویند و به پشتیبانی از آنها برخیزند. این خط مشی را باید براساس اصول علم رهایی پرولتاریا و تلفیق آنها با شرایط مشخص بدست آورد.

طبقه بورژوازی حاکم بخود لریزد و همچنان منطق سرمایه را در پیش گرفت

نظام حاکم با استفاده از کلیه امکانات در دانشگاه‌ها و اتاق‌های فکری برای نجات نظام در آغاز وحشت زده در پی چاره جویی بود و پاره‌ای از راه حل‌ها را حتی در رسانه‌های رسمی خود انتشار داد اما بنابر ماهیت طبقاتی مترجع و حریص سرمایه حاکمیت و دستگاهی امنیتی کلیه پیشنهادهایی را که ذره‌ای باز کردن فضای سیاسی را در بر داشت رد کرد و پاسخشان بازهم ادامه سرکوب و بازهم تاکید روی خصوصی کردن اقتصاد است. اینجاست که اساسی‌ترین قوانین ماتریالیسم تاریخی و مبارزه طبقاتی در جامعه طبقاتی

خیزش آبان ۹۸ مهر باطل تاریخی اکثریت عظیم مردم ستم‌کش و استثمار شده ایران را به چهل سال رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی زد. جنبش عظیم توده‌ها در آبان ماه کل نظام از راس هرم تا جیره خوران پست ریزه خوار را به هراس انداخت. فرایند مصاف طبقاتی در این دو سال برای هر طبقه اجتماعی بنابر هستی اجتماعی و شرایط زیست خود چگونه تکامل یافته است:

طبقه کارگر هشیار و آگاه‌تر در میدان است یکم - تقویت تشکل های مستقل و گسترش آنها

طبقه کارگر باید همچنان به امر سازماندهی و متشکل شدن‌های مستقل طبق شرایط مشخص هر صنعت، هر منطقه و تمرکز کارگری و مهمتر سطح آگاهی و سابقه مبارزاتی ادامه دهد. بدون بسط و گسترش این تشکل‌ها و پایدار کردن آنها با تکیه به پائینی‌ها یعنی اتکا به اعضای خود، بقیه کارها پیش نخواهد رفت. در شرایط دیکتاتوری و سرکوب کنونی باید با تمام نیرو از آنچه طبقه کارگر طی مبارزه‌ای سخت بدست آورده - تشکیلات مستقل کارگری موجود در هر شکل و فرمی از سندیکا گرفته تا شورا حفاظت کرد، با تکیه به آنها برای بسط و گسترش تشکل‌های کارگری مستقل، توده‌ای کردن آنها و همگرایی و وحدت آنها تلاش همه جانبه کرد.

دوم - ایجاد حزب پیشرو طبقه کارگر بدون یک استخوانبندی استوار و محکم از کادرهای خود در مراکز کارگری که از پشتیبانی قاطبه کارگران برخوردارند، کارگرانی که توانایی در بکار برد علم رهایی پرولتاریا را مستقل و با اتکا به نیروی خود داشته باشند و بتوانند لایه‌های پیشرو کارگری را بدور از چشم نیروهای امنیتی چون مردمک چشم حفظ کنند جنبش‌ها و خیزش‌های توده‌ای بدون تشکیلات مستقل کارگری پایدار، بدون استخوانبندی محکم کارگری که کادراهایش در نبردهای پی در پی علیه دولت سرمایه مستقر آگاه، مدبر و آبدیده شده باشد و تحت شرایط دیکتاتوری بتواند با تلفیق کار مخفی و علنی سازمان سیاسی پیشقراول کارگری را بوجود آورد، نمی تواند به پیروزی استراتژیکی دست یابند. کسب قدرت سیاسی با برنامه آلترناتیو کارگری از مسیر سخت و بغرنجی می گذرد و باید بدور از هرگونه توهم پیروزی سریع با

است کارگران هستند و خبرها را می شنوند که در سال گذشته در ایران در دوره کرونایی حدود دو هزار اعتصاب صورت گرفته است، از مبارزات هفت تپه، فولاد اهواز، اتوبوسرانی و دیگر تشکلات مستقل کارگری با خبرند. از حرکت بازنشستگان برای احقاق حقوق خود، از سازماندهی اعتراضات معلمان و... با خبرند. اول ماه مه گذشته این جریان‌ها کف کارخانه‌ها و خیابان‌ها در بیانیه‌هایی با امضای علنی پانزده تشکلات مستقل و پشتیبانی کلیه نیروهای چپ و کمونیست از این بیانیه وجود یک آلترناتیو کارگری را در صحنه سیاسی ایران به عموم اعلام کرد. حکومت ظاهراً یکدست شده مقتدر آمده تا مانع رشد این آلترناتیو به هر وسیله ممکن شده و بار دیگر طبقه سرمایه‌دار ایران از خطر قدرت گیری فرودستان جلو گیرد. سرکوب چهل ساله دیگر کاری نیست، بجای گلوله‌های گرم این روزها گلوله‌های شکر آلود هم بکار گرفته‌اند، بجای تعرض عقب نشینی را هم مجبورند تحمل کنند و در کلیه این تاکتیک‌ها یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند. جلوگیری از رشد و گسترش تشکلات مستقل کارگری و جلوگیری از همگرایی آنها. امروز این مبارزه به مرکزی‌ترین مبارزه میان طبقه کارگر و سرمایه‌دار تبدیل شده است؛ کلیه نیروهای سیاسی بین این دو باید یکی را انتخاب کنند. حزب رنجبران ایران با تمام نیرو در سمت جنبش کارگری ایران و آلترناتیو کارگری که در برگیرنده کلیه تشکلات مستقل مدنی و اجتماعی توده ایست ایستاده است. کلیه گرایش‌های سکتاریستی و خود مرکز بین وقتش رسیده که به این حرکت تاریخ ساز طبقه کارگر بپیوندند، کمونیسم علمی را در پیوند با شرایط مشخص صیقل دهنده برای ایجاد حزب پیشرو پرولتری در پیوند و برآمده از جنبش کارگری تلاش کنند.

پیروز باد جنبش سازمان‌یابی کارگری مستقل در هر شکل طبق شرایط مشخص هر صنعت، هر منطقه و هر جمع کارگران؛ از سندیکا و اتحادیه گرفته تا شورا و مجمع عمومی و.....

حزب رنجبران ایران



توقف فوری خشونت علیه زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی



اوضاع خویست به دور آلترناتیو کارگری متحد شویم.

بزرگترین نعمت برای پیروان گرایش کمونیستی و سوسیالیستی این است که تئوری راهنمایان بر مادی باوری تاریخی و دیالکتیکی استوار است که خود دو سو دارد؛ روشنگری اش در خدمت ستیزه‌گری اش است بدور از هرگونه متافیزیک و پیش داوری‌ها، داده‌هایش از پراتیک و عمل شکل می‌گیرد و شیوه تحلیلی اش رو به واقعیات روز دارد، به درون پدیده‌ها رسوخ کرده و در تکامل تضادها فرایند تغییرات را جستجو می‌کند. هرج و مرج کنونی ایران که اساسا ناشی از ورشکستگی نظام سرمایه‌داری حاکم و رقابت‌های جناح‌های بورژوازی است که بطور آشکار ناتوانی و فروماندگی حاکمیت را به نمایش گذارده و تفرقه اندازی گرایش‌های باصلاح چپ خرده بورژوازی در جنبش کارگری باعث بروز بعضی نظرات بدبینانه شده است. اما چنانچه بستر تاریخی و اجتماعی تغییر یافته جهان امروز را همه جانبه مورد بررسی قراردهیم و با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص علل هرج و مرج و پراکندگی را جستجو کنیم می‌بینیم اوضاع در حقیقت بد نیست بلکه خوب است.

وظیفه سازماندهی به گرد آلترناتیو کارگریست.

چگونگی ارزیابی از اوضاع نقش تعیین کننده‌ای در پاسخ به چه باید کرد کنونی دارد. البته باید اذعان داشت چنین کاری آسان نیست و معمولا طی دوران طولانی است که طبقه کارگر و جنبش کمونیستی توانایی می‌یابد چنین وظیفه‌ای را به درستی به سر انجام رساند. یافتن عقاید صحیح و مرکزیت دادن به آنها، طی یک روند بغرنج اجتماعی حاصل می‌گردد که در عمل صحت و سقم آن از طریق توده‌ها محک زده می‌شود. لنین و ماوتسه دون تنها کارشان تکرار نقل قول‌های مارکس و انگلس نبود، کار اصلی آنها ادامه کار مارکس و انگلس در اوضاع تغییر یافته جهان و کشورهای خود و ارائه راه‌حلهایی کاملا نوین و خلاق منطبق با آن زمان و مهمتر اینکه با توجه به شرایط مشخص جامعه‌ای که در آن زندگی و مبارزه می‌کردند بوده است. با اینکه در کشور ما طبقه کارگر همان زمان با طبقه کارگر روسیه و چین وارد مبارزه خود می‌شوند و دست به فعالیت می‌زنند ولی تا به امروز نتوانسته انقلابی را به نفع خود به سر انجام رساند. امروز هم با اینکه طبقه کارگر ایران

عواملی است که به نابرابری بین زن و مرد و خشونت قانونی شرعیت علیه زنان ابعاد وسیع تری می‌دهد. خشونت از فقر نشئت می‌گیرد و در طولانی مدت به فرهنگ برخورد تبدیل می‌شود. این فرهنگ با اینکه خود از طبقات بالا جوامع شکل می‌گیرد. و در خدمت آنها و سرکوب فرودستان جامعه است اما دائم و ممتد بودن آن به فرهنگی مردسالارانه در جامعه علیه زنان تبدیل می‌شود. روشن است خشونت علیه زنان فقط به خشونتی که سیستم مردسالار علیه زنان اعمال می‌کند خلاصه نمی‌شود. خشونت علیه زنان نشئت از سیستم بهره‌کشی و در دوران کنونی از سیستم سرمایه‌داری می‌گیرد. در مبارزه علیه خشونت بر زنان بعلت اینکه فقط زنان آسیب می‌رساند بلکه کل جامعه را دچار آسیب‌های انسانی می‌کند، موضوعی که به کل جامعه و نه فقط زنان ارتباط پیدا می‌کند. به همین دلیل مبارزه با خشونت علیه زنان یک مبارزه همگانی در عرصه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی است. وقتی امنیت اجتماعی از زنان گرفته می‌شود و تا سطح مدیریت سیاسی جامعه کشیده می‌شود آنوقت مبارزه با خشونت علیه زنان راه حلی زنان نداشته و یک راه حل طبقاتی را می‌طلبد. نتیجتا مبارزه علیه خشونت بر زنان بخشی از مبارزه آن طبقه اجتماعی است که رهایی جامعه و نفی سیستم استثمار و بردگی انسان از انسان را هدف قرار داده است. در عین حال روشن است که سازماندهی زنان برای بدست آوردن حقوق خود از همین امروز وظیفه تخطی‌ناپذیر همه انسان‌های انقلابی و کمونیست است در این میان زنان کمونیست نقش برجسته‌تری و وظایف سنگین‌تری از دیگران بر دوششان است.

از این رو زنان کمونیست در دو عرصه درگیر مبارزه هستند، مبارزه طبقاتی در کل جامعه، مبارزه ویژه در امور زنان علیه ستم جنسی؛ رهایی زنان با توجه به عملکرد جوامع طبقاتی تا کنونی، در گرو هم سو شدن مبارزات رهایی بخش آنان با مبارزه برای براندازی سلطه طبقات استثمارگر بوده و لذا تنها سوسیالیسم است که زمینه را برای رهایی کامل زنان از استثمار و ستم طبقاتی و جنسی فراهم خواهد ساخت.



صحت خود را به منصفه ظهور می‌رساند. نمایندگان سیاسی طبقات ارتجاعی زندانی شرایط طبقاتی و اجتماعی خود هستند. منطق آنها علمی نیست، منافع طبقاتی و هستی اجتماعی آنهاست که سیاست‌های آنها را شکل می‌دهد.

برماست که با حرکت از خواست توده‌ها که کارد به استخوان‌شان رسیده اوضاع تغییر یافته را دقیق و همه جانبه با بکاربرد اصول کمونیسم علمی مورد بررسی قرار دهیم و خود را برای خیزشی دیگر، متشکل‌تر آگاهانه‌تر آماده سازیم.

حزب رنجبران ایران آبان ۱۴۰۰

خشونت علیه زنان

۲۵ نوامبر روز مبارزه علیه خشونت بر زنان است. هر سال که می‌گذرد با اینکه قوانین کشورها در رابطه با حقوق اجتماعی زنان بهبود پیدا می‌کند، اما همزمان در بسیار از کشورها سطح و ابعاد خشونت افزایش می‌یابد. دلایل یک چنین تضادی را باید در ساختارهای اجتماعی دید که با رشد سرمایه‌داری و بربریت ناشی از سیستم‌های رقابتی و انحصاری آن، به اختلاف طبقاتی و ازدیاد فاصله بین فقرا و ثروتمندان انجامیده است. تجمع عظیم سرمایه در دست عده معدودی از کشورها و کمپانیهای بزرگ جهان و فقیرتر شدن بقیه کشورها ناشی از مجموعه نابرابری‌ها در تولید و تجارت و انحصارات تکنولوژیکی و..... در عین اینکه کشورهای پیرامونی - تحت سلطه را هر روز فقیرتر می‌کند در درون همین کشورها نیز اکثریت جامعه با شتاب بسوی زیر خط فقر رانده می‌شوند. بحران اقتصادی که نتیجه متقابل و دیالکتیکی فقر و استثمار و تمرکز ثروت است، به خشونت‌های اجتماعی از جمله جنگ‌های داخلی، افزایش خشونت‌های فردی در جامعه و خشونت خانواده‌گی دامن می‌زند. اولین کسانی که بصورت مستقیم از خشونت و فقر آسیب می‌بینند، کارگران و زحمت‌کشان جامعه و در بین آنها زنان و کودکان هستند. علاوه بر این سرباز کردن حکومت‌های مذهبی و دخالت مذهب هم یکی دیگر از



به بزرگترین و فعالترین نیروی اجتماعی تبدیل شده، با اینکه در شرایط دیکتاتوری توانسته قد علم کند و در سالهای اخیر روزی پنج اعتراض و اعتصاب را برگزار نماید، اما هنوز در پی یافتن راه حل است. صد سال است مبارزه ایدئولوژیک در جنبش کارگری و کمونیستی جریان دارد و در این چند دهه اخیر با گسترش امکانات رسانه‌ای و مهاجرت مرکزیت‌های احزاب و سازمان‌های چپ به خارج کشور دامنه این مبارزات گسترش یافته، اما متأسفانه وحدت کمتر و پراکندگی بیشتر شده است. در این صد سال از تجربه کارگران روسیه و چین و رهبران آنها به درستی نیاموختیم و تنها به نقل قول از آنها و یا کپی برداری از تجارب آنها پرداخته‌ایم. بزرگترین درسی که از تجربه روسیه و چین باید می‌گرفتیم تلفیق اصول کمونیسم به شرایط مشخص کشورشان بود و هست. آنها توانستند قانونمندی انقلاب کردن در روسیه و چین را بدست دهند، در عمل آنرا به کار گیرند و توده‌های وسیع را بدان مسلح نمایند و دشمنان بس پر قدرتی را به زانو در آورند. لنین و مائوتسه دون تاکید کردند و خود بدان عمل نمودند که قدرت اصول کمونیسم علمی در تلفیق آن با شرایط مشخص است. اصول عام چنانچه به کار گرفته نشود هیچ ارزشی ندارند. زندگی سیاسی احزاب و جنبش‌های اجتماعی نشان می‌دهد هر جا و هر زمان آنها مناسبات آن دو را باهم به درستی حل کرده‌اند آنجا و آن زمان پیروزی بدست آورده‌اند.

با توجه به سیر تاریخی مبارزه طبقه کارگر ایران برای پیروزی بر طبقه بورژوازی سرکوبگر که ماشین دولتی مسلحی را برای حفظ نظام بوجود آورده و در سرکوب اکثر جنبش‌های مترقی در این چهارده موفق شده است چگونه می‌توان به پرسش "چه باید کرد؟" پاسخ داد. مبارزه طبقاتی در جامعه کنونی ایران به مرحله‌ای رسیده است که پاسخ به پرسش چه باید کرد نمی‌تواند این باشد که باید حزب کمونیست واحد بوجود آورد و یا باید به مبارزه ایدئولوژیک دامن زد در این صد سال گذشته مبارزه متشکل طبقه کارگر و کمونیست‌ها همچنان ادامه داشته و صدها اصول و برنامه نوشته شده است. امروز پاسخ به پرسش چه باید کرد باید چنان باشد که بتواند به امر جاری مبارزه طبقه کارگر خدمت موثر کند و آلترناتیو کارگری را به گفتمان کل جامعه تبدیل سازد.

ارزیابی درست از اوضاع کنونی نقش تعیین

کننده‌ای در پاسخ صحیح به پرسش چه باید کرد دارد. در این چهار دهه با اینکه تضاد اساسی جامعه ایران تغییری نکرده است و تضاد همچنان میان طبقه بورژوازی و پرولتاریا است ولی شناخت همه جانبه و تکامل آن در این چهل سال ضروریست:

در جانب پرولتاریا، طبقه کارگر کمیتش به مراتب افزوده شده و امروز به نیروی تعیین کننده‌ای تبدیل شده است. علاوه بر این وضع معیشتی کارگران نه تنها بهتر نشده بلکه بدتر هم شده است. مهمتر اینکه صفوف طبقه کارگر بویژه در دوده‌ه گذشته منسجم‌تر و از لحاظ سطح فرهنگی و دانش بسیار بالا رفته است. دقیقاً تکامل چنین اوضاعیست که طبقه کارگر را به نیروی سازمانده و در پیشاپیش صفوف مبارزه تبدیل کرده است و پرسش چه باید کرد را باید در رابطه با همین اوضاع تکامل یافته جستجو کرد. لنین و مائو دلیل اصلی موفقیت‌شان در این است که سر بزنگاه تاریخی توانستند برای پیروزی انقلاب راه حل مشخصی ارائه دهند. لنین تزه‌های چهارم آوریل و مائو ایجاد حکومت شورائی را در مناطق آزاد شده توسط ارتش سرخ مطرح کردند و در عمل صحت آنها معلوم شد. تزه‌های آوریل لنین که در قطار مهرو موم شده آلمانی در حرکت بسوی روسیه می‌نویسد بر اساس تحلیل از اوضاع مشخص آن زمان است. یعنی پاسخ به چه باید کرد در آوریل ۱۹۱۷ و با چه باید کرد او در سال ۱۹۰۲ تفاوت دارد. همین‌طور است پاسخ مائو که پس از دو شکست بزرگ حزب کمونیست در جریان عقب نشینی راهپیمائی طولانی چین یعنی سیزده سال پس از تشکیل حزب کمونیست است که در جلسه سونی قصبه‌ای در مسیر راه توسط رهبری حزب کمونیست پذیرفته می‌شود. جالب اینجاست که در آغاز هر دو پاسخ قبولش توسط رهبری هر دو حزب با شک و تردید مواجه شد. تزه‌های لنین در مدتی کوتاه مورد تأیید قرار می‌گیرد ولی نظریه مائو هفت سالی طول می‌کشد تا پذیرفته شود چون انترناسیونال و حزب کمونیست شوروی با آن مخالف بودند. هر دوی این پاسخ‌ها مشخص و راه حل‌های عملی برای ادامه انقلاب و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و متحدانش است. جنبش کارگری ما امروز احتیاج به پاسخی مشخص برای پیشروی به جلو دارد تا عام گویی و کپی برداری از تجارب انقلابات دیگر.

تاریخ مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد اکثر اشتباهات، برخاسته از عدم درک اوضاع تغییر

یافته است. تضاد اساسی جهان همچنان بین کار و سرمایه و دو طبقه متخاصم پرولتاریا و بورژوازی است و دوران همچنان دوران انقلابات پرولتاریایی است. چگونه است که طبقه کارگر در بعضی جاها طی این سالها پیروزی بدست آورده و در جاهایی نه چون نیک بنگری در تحلیل نادرست از اوضاع مشخص و سیاست‌های ناشی از آن بوده است. با رشد نیروهای مولده و حاد شدن تضاد میان کار و سرمایه بررسی اوضاع تغییر یافته از گذشته هم مهمتر شده است. تنها یک نگاه زود گذر به اوضاع جهان در زمان انتشار مانیفست حزب کمونیست توسط مارکس و انگلس ۱۸۴۷ و یا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بخوبی این تغییر شگرف دیده می‌شود. نیروهای مولده در جهان در میزانی غیر قابل تصور رشد کرده و امروز طبقه کارگر و قشون عظیم استثمار شونده‌ها و ستمدیدگان به نیروی مادی تعیین کننده جهانی برای تغییر کل نظام سرمایه‌داری تبدیل شده است. در ایران هم این اوضاع تغییر یافته، کاملاً محسوس است. باید بجای غرق شدن در گذشته و به نبش قبر پرداختن، اوضاع کنونی را مورد بررسی قرار داد. دیگر نه نظام‌های مستعمره و نیمه مستعمره موجودند و نه اکثر جنبش‌های ملی ضد استعماری. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که زمانی پرچم انقلاب جهانی را بر افراشته بود به کشوری سرمایه‌داری تبدیل شده است. در سطح جهانی امپریالیسم آمریکا مدت‌هاست خود را صاحب‌قران اعلام کرده و با قدرت نظامی جهانی‌اش توانسته نظام سرمایه‌داری نئولیبرالیستی را در سراسر جهان مسلط کند. نتیجه چنین تسلط و سرکردگی در جهان، فقر و بدبختی میلیاردها انسان زحمتکش و ویرانی و سقوط کامل محیط زیست بوده است. هیچ بودگان جهان در سه قاره متمرکزند و بیش از نود درصد مردم جهان را در بر می‌گیرند ولی از ثروت جهان تنها ده درصد را در اختیار دارند، کشور خودمان ایران یکی از همین قربانی‌هاست.

گذشت آن وقت که پرولتاریای انگلیس، امید انقلاب جهانی بود و سرزمین‌های تمدن کهن را با معیار صنعتی شدن و مدرنیزه کردن به متمدن و بربر و غیر متمدن تقسیم می‌کردند. امروز نیروی عمده کار در خط تولید، جنوب شرقی آسیا تا شمال آفریقا و جنوب اروپا که ایران هم در این کمربند تولید می‌گنجد قرار دارند. سرنوشت انقلاب جهانی ستمدیدگان و استثمار شونده‌ها در این سرزمین‌ها تعیین می



وستم‌کش را به گرد آلتزاتیو کارگری جمع کرد و توطئه بورژوازی حاکم را در کف خیابان‌ها در هم شکست.

محسن رضوانی

دموکراسی... بقیه از صفحه آخر

سوسیالیستی آینده باشند که در نهایت جامعه عمل به دیکتاتوری پرولتاریا خواهد پوشاند؟ چگونه می‌توان حال را با آینده پیوند داد به طوری که بتواند هم احتیاجات عاجل امروز، و هم زمینه ساز و در خدمت به وجود آوردن ساختمان آینده باشد؟

این نوشتار (مقاله) می‌خواهد کمکی به تفکر و اندیشیدن و در نتیجه عمل کردن باشد، می‌خواهد که تقاضا و دعوتی از بهترین و آگاه‌ترین کارگران کرده باشد، که تعمق و تفکر کنند، هر کسی در حیطة کار و کنش و واکنش خویش، باید جهت دستیابی به راه حل مشکل همکاری کند، همچون رودبارهایی که به رودخانه بزرگی ختم می‌شوند. فقط در یک همکاری عمومی و فشرده، توسط رفقا و تشکلهای نزدیک به ما، این امر میسر خواهد بود. فقط در یک مبارزه همگانی و در کنار هم، می‌توان با آموزش متقابل، مسیر تعریف شده را به عمل و اجرا درآورد.

دولت سوسیالیستی هم اکنون به صورت بالقوه در موسسات و ارگان‌های زندگی روزمره اجتماعی، و با کاراکتر و مهر و منشا طبقه کارگر در جریان است. با به هم پیوستن این موسسات و تشکلهای سازماندهی و جهت دهی آن‌ها در یک شرایط رقابتی برای تصاحب قدرت، و تهییج آن‌ها با تمامی نیرو، و با توجه به حفظ و رعایت احتیاجات و الزامات استقلال و پیچیدگی آن‌ها می‌باشد. که این بدان معنا است که حتی از امروز هم در پی ایجاد یک دموکراسی واقعی کارگری می‌باشیم. و هم به طور روشن و در واقعیت و قابل باور می‌گوییم که در عمل در مقابل دولت سرمایه هستیم. معنای این گفتار و رفتار این است که ما از هم اکنون آماده جایگزینی دولت سرمایه‌داری در تمامی عملکردهای اولیه و اصلی و اداره و حاکمیت بر ثروت ملی خود می‌باشیم. جریان و جنبش کارگری امروز با رهبری

با یاری امپریالیسم جهانی و تصمیم جمعی گوادولپ دیکتاتوری قشر روحانیت را با خدعه و فریب رسانه‌های امپریالیستی بر سر کار گماردند. اما اوضاع امروز ایران همانگونه که در بالا به آن اشاره رفت با گذشته متفاوت است. که برجسته‌ترین آن خود طبقه کارگر است. بر اثر رشد سرمایه‌داری طبقه کارگر به نیروی تعیین کننده‌ای در تولید و چرخ توزیع تبدیل شده است و مهمتر اینکه در همین شرایط سرکوب و دیکتاتوری مطلق توانسته خود را سازمان دهد و به عنوان یک نیروی مستقل عمل نماید. در سال گذشته در ایران در دوره کروناپی حدود دوهزار اعتصاب صورت گرفته است، از مبارزات هفت تپه، فولاد اهواز، اتوبوس رانی و جنبش اعتصابی پروژه‌ای نفت و گاز و دیگر تشکلات مستقل کارگری، از حرکت بازنشستگان برای احقاق خود، از سازماندهی اعتراضات معلمان و صدها تظاهرات دیگر، از جنبش‌های دی ماه نود و شش و آبان نودوهشت، از اقدام متحد تشکلهای کارگری در اول ماه مه سال گذشته همه و همه حکایت از رشد جنبش‌های کاری و دیگر جنبش‌های اجتماعی دارند. مبارزات کف کارخانه و خیابان‌ها در بیانیه‌هایی با امضای علنی پانزده تشکلات مستقل، وجود یک آلتزاتیو کارگری را در صحنه سیاسی ایران به عموم اعلام کردند. حکومت یکدست شده مقتدر خامنیه‌ای جوابی است به این خیزش‌ها و به این برخاستن‌های طبقه کارگر ایران. رئیسی را برگماردند تا از رشد آلتزاتیو کارگری به هر وسیله‌ای که شده جلوگیری کند و بار دیگر طبقه سرمایه‌دار ایران را از خطر قدرت‌گیری فرودستان جلو گیرند. سرکوب عریان چهل ساله چون دیگر کاری نیست، بجای گلوله‌ی گرم این روزها گلوله‌های شکر آلود را هم بکار گرفته‌اند، بجای تعرض، عقب نشینی را هم مجبورند تحمل کنند. در کلیه این تاکتیک‌ها یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند: جلوگیری از رشد و گسترش تشکلهای مستقل کارگری و جلوگیری از هم‌گرایی آنها. امروز این مبارزه، به مرکزی‌ترین مبارزه دو خط، بین دو طبقه، کارگران و سرمایه‌داران تبدیل شده است. کلیه نیروهای سیاسی باید یکی از این دو خط را انتخاب کنند. بنابراین پاسخ به پرسش چه باید کرد چنین است: اوضاع برای ادامه سازماندهی طبقه کارگر از پائین و توده‌ای برای ایجاد تشکلهای پایدار خوبست. باید کلیه نیروهای استثمار شونده

شود.

تضاد عمده جهان در همین سرزمین‌ها در حال رشد است، تضادی است آنتاگونیستی که تنها با انقلابی رادیکال و ریشه‌ای که نظام سرمایه‌داری را براندازد و بجایش نظامی کاملاً نوین در خدمت اکثریت عظیم مردم ستمدیده و استثمار شونده استقرار یابد قابل حل است. طبقه کارگر ایران جزوی جدا ناپذیر از این قشون جهانی میلیارديست که صد سال است در مبارزه‌ای سخت و بغرنج با طبقات استثمارگر و حامیان خارجی آنها قرار گرفته است و امروز یکی از آگاه‌ترین طبقات کارگر منطقه با تجارب غنی مبارزاتی در صحنه است.

در مقابل این طبقه، بورژوازی ایران قرار دارد که به قشر بندی‌های متضادی تقسیم شده‌اند و برای ادامه سلطه بر جامعه سخت با هم در رقابتند. بحران ساختاری سرمایه در ایران، فشار حداکثری امپریالیسم آمریکا، خیزش‌های رادیکالیزه شده فرودستان، تضاد میان این طبقه را شدت بخشیده است. بورژوازی ایران در این صد سال گذشته هرگاه با چنین اوضاعی روبرو بوده از طریق انتخاب یک قلدر کودتاچی و مورد تائید قدرت‌های امپریالیستی از سقوط خود جلوگیری کرده است. بنظر می‌رسد خامنیه‌ای هم با یکدست کردن حکومت می‌خواهد به بازیگران بورژوازی جهانی و ایران پیام بدهد که من درست همان قلدری هستم که میخواهید، ببخود در خارج و داخل دنبالش نباشید.

این اولین بار نیست که در تاریخ صد و اندی سال بورژوازی ایران برای ادامه قدرت خود هنگامی که خطر خیزش تهیدستان و فرودستان را حس می‌کند به حکومت دیکتاتوری مطلقه برای سرکوب انقلاب کارگری رو می‌آورد. این یکی از تفاوت‌ها و ویژگی‌های سرمایه‌داری ایران است که نه توانایی رفرم مثل کشورهای سرمایه‌داری اروپایی را دارد و نه توانایی ایستادگی تا آخر در برابر قدرت‌های سلطه‌گر جهانی. بورژوازی ایران انقلاب مشروطیت را باطل کرد و قدرت سیاسی را به رضا خان میر پنج سپرد، محمد رضا شاه دستاوردهای دموکراتیک پس از شکست فاشیسم را با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ آمریکایی - انگلیسی مصادره کرد. همینطور است در انقلاب ۵۷ خیزش توده‌های میلیونی بستوه آمده و ناتوانی محمد رضا شاه در مقابل آن و خطر بدیل کارگری و سوسیالیسم، بار دیگر بورژوازی ایران را هراسناک کرد و همه جناح‌های بورژوازی



منطقه خواهد بود. سیستم انتخاباتی می تواند به تناسب وسعت و جمعیت منطقه زیر دست هر کمیته ایالتی متفاوت باشد. اما باید سعی شود که برای هر پانزده نفر از کارگران، کارمندان و تکنیسین‌ها (همچون شوراهای رایج در انگلستان) یک نماینده انتخاب گردد، که بتوانیم با انتخاباتی سلسله مراتبی و مرحله‌ای در هر شورای کارگری، مجموعه‌ای از نیروی کار را داشته باشیم.

در کمیته رهبری هر منطقه باید سعی شود که نمایندگانی از دیگر بخش‌های ساکن همان منطقه شرکت داشته باشند، همچون پیش خدمتان، رانندگان، لوکوموتیو رانان، کارگران خطوط آهن، کارگران نظافت شهرداری‌ها، کارمندان، مشاغل کوچک خصوصی، فروشندگان، و. کمیته و شورای هر منطقه باید از تمامی کارگران ساکن آن منطقه نمایندگی کند، نمایندگی واقعی و قدرتمند که بتواند احترام و نظم برآمده از این قدرت را برقرار کند. که بتواند تصمیم اجرایی به تعطیل کار و اعتصاب فوری و همه جانبه در تمامی بخش‌های نیروی کار در سراسر منطقه بگیرد.

در این شکل و نگرش به دموکراسی کارگری (که در پیوند با شکل‌های دهقانی می باشد)، به وجود آورنده نظمی نوین برای توده‌ها خواهد بود. این رفتار و عملکرد همچون مدرسه‌ای با تجارب سیاسی و اداره و مدیریت امور خواهد بود، که دربرگیرنده آخرین فرد از توده‌ها است. که به آن‌ها آموزش و عادت پایداری و استوار ماندن را می آموزد. که دیگر همچون لشکری میان مرکزیت و پیاده نظام نخواهند بود. و در نتیجه هر کارخانه به عنوان پیش قراول لشکر توده‌ها نقش ایفا خواهد کرد. با نقش رهبران، با امکانات و ارتباطات، با قدرت سازماندهی‌اش، با قدرت انتخابات آزادش، با انتقاد از خود و رفع اشکالاتش، با استفاده از مجمع عمومی‌هایش که در داخل شوراهای و کمیته‌های ایالتی و منطقه‌ای برگزار می شوند، با استفاده از آتش مداوم تبلیغات و ترغیب و آموزش به توده‌ها و تکثیر آگاهی‌ها، و در نتیجه تغییرات رادیکال در تفکر و مواضع و عملکرد کارگران، و در نتیجه نهایی یعنی بهترین آماده سازی و استفاده از توانایی‌های توده‌ها در اداره قدرت پس از تصرف آن می باشد. شناخت و تجربه و آگاهی که از وظایف و حقوق رفقا و کارگران می باشد را به نمایش خواهد گذاشت، که به‌طور مشخص و کنکرت و شفاف و آگاهانه از تجربه و تاریخ خودشان

تشکل‌های (منظور همراهمان مقطعی حزب و انقلاب در دوران مشخصی می باشد) جدید باز کند، که تجربه و رفتار و سبک کار و مسئولیت پذیری و دیسیپلین حزبی را ندارند.

اما زندگی و تاریخ اجتماعی طبقه کارگر سرشار از تشکل‌های متفاوتی است که در عملکردها و شرایط متفاوتی شکل گرفته‌اند. که مطمئناً این تشکل‌ها و عملکردها باید توسعه و رشد و سازماندهی همه جانبه یابند. که بتوانند در ارتباط با یک سیستم منسجم و قویا طبقه بندی شده، جذب دیسیپلین طبقه کارگر بشوند. دفاتر حزبی و کمیته‌های ایالتی و شوراهای منطقه‌ای کارگری و کمیسیون‌های داخلی حزب و جمععات سوسیالیستی و تشکل‌های دهقانی، مراکز اصلی زندگی و کار پرولتاریای حزبی می باشند، که باید در آن‌ها مستقیماً تلاش و کار کرد. کمیسیون‌های داخلی حزب، ارگانیزم دموکراسی کارگران بوده، که در مقابله با سیاست‌های سرمایه‌داران، باید ترویج دهنده‌ی عملی و واقعی از نگرش جدید به زندگی و سرشار از انرژی و امید باشند.

امروزه حوزه‌های حزبی در کارخانه‌ها و مراکز کارگری، قدرت و سیطره سرمایه‌داری را تضعیف کرده‌اند و نقش نظارت و داوری را در سیستم سرمایه‌داری ایفا می کنند. آن‌ها را باید تقویت و توسعه داد، آن‌ها در فردا (پس از انقلاب)، ارگان و ارگانیزم اجرایی و قدرت پرولتاریا خواهند بود، که جایگزین تمامی زوایا و عملکردهای لازم و سودمند در مدیریت و اداره کارخانه‌ها خواهند شد. از هم اکنون کارگران در کارخانه‌ها باید به فکر و اجرای جلسات وسیع جهت انتخاب نمایندگان خود از میان بهترین و آگاه‌ترین رفقا و بر اساس رهنمودهای مشخصی همچون "تمامی قدرت تصمیم گیری‌ها باید به شوراهای و کمیته‌های کارگری تفویض گردد." و یا "تمامی قدرت دولتی باید به شوراهای کارگری و دهقانی داده شود"، تبلیغ و عمل کنند. تبلیغات و پروپاگاندا وسیع و مشخص انقلابی، راه را برای کارگران کمونیست و انقلابی و حزبی را هموارتر خواهد کرد.

کلوب‌ها و مراکز تجمع کارگران که بر اساس تقسیم مناطق شهری می باشند، باید بر اساس بررسی و تحقیق و همه پرسی از نیروی کار و کارگران هر منطقه شهری، بتوانند پایگاه و مرکز شوراهای مردمی/توده‌ای کمیته‌های ایالتی باشند، که نقطه عطف و گردهمایی و جمعیت تمامی انرژی و توان پرولتاریای آن

حزب سوسیالیست و کنفدراسیون‌های کارگری (اتحادیه‌ها و سندیکاها) به پیش می رود. اما با توجه به تمامی کوشش‌ها و وسعت قدرت اجتماعی حزب و سندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری، که به‌طور غیرمستقیم با مقولاتی از قبیل "اعتبار اجتماعی" و "باور به آینده" آغشته هستند، فشار بر تصمیم گیرندگان و رهبران و حتی متحدان اصلی دولت سرمایه را افزایش داده است.

دایره اعتبار و استقبال از حزب روزانه وسیع‌تر می گردد، و در نتیجه به روی آوری افشاری مردمی که تا اکنون مورد توجه قرار نگرفته بودند، می انجامد. به زبانی دیگر، توضیح و آشکار نمودن مقوله "بهره اضافه" از بازوی کارگران و نیروی کار، به استقبال از گروه‌ها و افراد متفاوتی که تا اکنون در مبارزه سیاسی غایب بوده اند، انجامیده است. در نتیجه لازم است که با تجربه اندوزی، دست به یک سازماندهی و ایجاد تشکل‌هایی سیاسی و با دیسیپلین ماندگار و جذب این انرژی‌های غیر متحد و پراکنده و غیر مصمم، دست بزنیم و این به آن معنا خواهد بود که طبقه پرولتاریا و شبه پرولتاریا، در نظام جامعه آینده قادر به تربیت اجتماعی می باشد. در واقع حزب و طبقه کارگر باید در حین تجربه اندوزی، متوجه مسئولیت‌ها و وظایف عاجل خود در قبال خواست طبقات و اقشار دیگر که در تصرف قدرت سیاسی سهمیم بوده‌اند، پردازد. حزب سوسیالیست و سندیکاها می مختلف نمی توانند تمامی طبقه کارگر را در بر گرفته و جذب کنند، مگر با کار و سیاست مستمر سال‌ها و چندین ده ساله. آن‌ها (سندیکاها) بلافاصله خود را در شمایل بخشی از طبقه بندی دولت پرولتاریا به نمایش و عرضه خواهند گذاشت. در جمهوری‌های کمونیستی در واقع آن‌ها واقعیتی از استقلال از دولت خواهند بود. سندیکاها موتور اصلی (حزب) نخواهند بود، آن‌ها نقش کنترل و جامه به عمل پوشاندن نسبی خواست‌های خود را ایفا خواهند کرد.

حزب باید کماکان ارگانیزم و سازماندهی تربیت کمونیستی و هسته اصلی ایمان به دکتربین و راه باشد. که در واقع این قدرت بالا دستی (حزب) که هماهنگ کننده حداقل بیش از نیمی از سازماندهی و دیسیپلین طبقه کارگر و دهقانان خواهد بود. و از طرفی تشکیلات حزبی در خدمت و راستای حفاظت از خود، نباید درب‌های خود را تماماً به روی دیگر



می باشد.

قبلا هم گفته‌ام: این نقطه نظرات اجمالی فقط پیشنهادهای جهت تعمیق شفاف سازی عقاید و عملکردها می باشند. تمامی و هر گوشه و زوایای این مشکلات مستحق بازنگری عمیق و همه جانبه است، بحث کنونی احتیاج به ابهام زدایی و پشتیبانی منسجم و برنامه ریزی شده‌ای دارد. اما راه حل کنکرت و همه جانبه درباره زندگی سوسیالیستی فقط و فقط از عملکرد کمونیستی و کمونیست‌ها بیرون خواهد آمد. همچون: بحث‌های مشترک و عمومی، که بتوانند تغییر مثبت در آگاهی و اتحاد با شرایط امروزی و همراه با احساس و حرکت عملی مشتاقانه همراه باشند. حقیقت گویی و رسیدن به حقیقت، در خدمت انجام رفتارهای کمونیستی و انقلابی است.

فرم و نسخه "دیکتاتوری پرولتاریا" باید در حد یک فرمول و نظریه باقی بماند، احتمال و امکان برای اثبات یک نظریه، فقط و فقط با برآیند نتایج عملی آن امکان پذیر است. هر کس پایان را می خواهد باید ابزار و وسایلش را هم بخواهد. دیکتاتوری پرولتاریا آغاز دولتی جدید و نوین است، که خصلتا کارگری بوده، که در آن مجموعه‌ای از روبراهای کوچک با تجارب کار و زندگی متفاوت از طبقات زیر ستم به هم می پیوندند و در آن طبقه کارگر و دهقانان شیوه زندگی خود را به شکل سیستماتیک و برنامه ریزی شده ارائه می دهند. این دولت در یک شب شکل نگرفته است. کمونیست‌های بلشویکی روسیه برای هشت ماه است که بر روی پایه گذاری و مشخص نمودن شعار و هدف اصلی کار می کنند. تمامی قدرت در دست شوراهای، و شوراهای کارگران روس و پا در عمل از ۱۹۰۵ می باشند. کمونیست‌ها باید تجربه روسیه را گران‌بها بشمارند، بازسازی هر تجربه زمان زیادی طلب خواهد کرد. هر روز و هر تصمیم باید به اهداف حزب کمک کند.

آنتونیو گرامشی

منتشره به تاریخ ۲۱ جون ۱۹۱۹ در هفته نامه "نظم نوین" (L'Ordine Nuovo)، ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا

Antonio Gramsci

برگردان از: م. اسفندیاری

زنان افغان بقیه از صفحه آخر

شد. حال همه آن‌ها با فریاد دزد، دزد نقش خود را در سرکوب، تحمیل فقر مطلق برای اکثریت مردم و حاکمیت یک رژیم وحشی و قرون وسطایی در افغانستان انکار می کنند. زنان در افغانستان بطور انکار ناپذیر با رسیدن طالبان به قدرت به درجات زیادی در جامعه عقب رانده شده و مورد خشونت وسیع‌تری در اجتماع و خانواده قرار می‌گیرند. هیچ قانونی نه عرفی و نه شرعی وجود ندارد که از حقوق زنان در افغانستان پشتیبانی کنند. امسال در سالروز مبارزه با خشونت علیه زنان، توجه به زنان افغان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حکومتی تازه به قدرت رسیده با سرعت و شدتی خاصی زنان را به انسان‌های درجه دوم و سوم جامعه تبدیل می‌کند و در حال پس گرفتن حقوقی از زنان هستند که آن‌ها طی سالها با کار و مبارزه در عرصه‌های مختلف جامعه بدست آورده بودند. زنان در افغانستان بیش از آنکه به کمک‌های خارجی چشم بدوزند در حال سازماندهی مخفی و علنی خود در مبارزه با طالبان و رسیدن به خواست‌های خود و حضور در جامعه می باشند. خشونت علیه زنان جهان بویژه زنان افغانستان محکوم است. این محکومیت فقط شامل طالبان نیست بلکه هر دولت و حکومتی که در به قدرت رسیدن طالبان نقش داشتند. شریک جرم و جنایتی‌هایی هستند که امروز طالبان علیه مردم افغانستان و بویژه زنان اعمال می‌کند.

ع.غ

**بجز نوشته‌هایی که با
امضای تحریریه منتشر
می‌گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبران ایران
می‌باشد**

**دیگر نوشته‌های مندرج در
نشریه رنجبر به امضای
فردی است و مسئولیت
آن‌ها با نویسندگانشان
می‌باشد.**

دادگاه حمید نوری.... بقیه از صفحه آخر

رژیم اسلامی عمل می کنند. در واقع آن‌ها سیاست نان قندی و چماق را جلو می برند. مسئله آنها نه حقوق بشر و دفاع از مردم ایران بلکه فشار به جمهوری اسلامی در جهت گرفتن امتیازات سیاسی - اقتصادی است. با این حال فشار اپوزسیون در افشارگری علیه رژیم اسلامی بویژه در خارج از کشور اجازه اجرای کامل این سیاست را نمی دهد. پیگیری فعالین سیاسی خارج از کشور در دفاع از صدمه دیدگان از جنایات رژیم اسلامی و قوانین حقوقی و قضائی در کشورهای اروپایی که حاصل سال‌ها مبارزات اجتماعی برای تعیین حقوق قضایی مطابق با دنیای کنونی است و قانون‌مند کردن است، از روابطی است که امروز فقط نیروی مترقی و ضد رژیم خواهان پیش برد آن با تمام محدودیت‌هایش است. اگر این دادگاه‌ها سال‌های متمادی هم ادامه داشته باشد آنقدر شاهدین گوناگونی هستند که هر روزه بتوانند بعدی از ابعاد جنایات‌های رژیم را افشا کنند. برخی از افشارگری‌ها با اینکه هزاران نفر دیگر آنها را بازگو کرده‌اند ولی باز هم موی بر اندام انسان متعهد در دفاع از آزادی و برابری اجتماعی راست می کند. رژیم اسلامی در تمامی دادگاه‌ها هیچ مدرک و یا موردی از رد اتهامات را نمی تواند ارائه کند. اعتراضات وکلای حمید نوری بیش از آنکه یک دفاعیه باشد، حکم محکومیت متهم است. حمید نوری در این دادگاه محاکمه نمی شود. این دادگاه‌ها رژیم جمهوری اسلامی را بر صندلی اتهام نشانده‌اند. نتایج این دادگاه‌ها می تواند در صورت توافق در دادگاه حقوق بشر جهانی به عنوان جنایت علیه بشریت مطرح شود. با تمام تمایلی که به این روند است، اما همیشه این امکان هست که با توافقات پشت پرده قدرت‌های بزرگ با رژیم اسلامی این روند متوقف شده و حمید نوری همچون کسانی که بختیار و فرخزاد را ترور کردند مورد معامله قرار گیرد. جرم کسانی مانند حمید نوری‌ها روشن است. نه تنها شاهدان خارج از کشور بلکه هزاران هزار از مردان و زنان و جوانانی که هر روز با سرکوب و شکنجه و زندان مواجه هستند، شاهدان زنده جنایات علنی و مخفی رژیم جمهوری اسلامی هستند. این دادگاه‌ها هیچ نامی از هزاران گمشده سیاسی، قتل‌های



مخفی سیاسی و زندان‌های مخفی نمی برد. زندان‌هایی مانند کهریزک وقتی علنی شد که هزاران تن از دستگیر شدگان اعتراضات ۸۸ در آنجا به حبس کشیده شدند. گزارشاتی که زندانیان آزاد شده در تمامی سال‌های حکومت جنایت کار اسلامی به بیرون فرستاده و یا بعد از آزادی علنی کرده‌اند، نشان می دهد که شکنجه و تجاوز و اعدام‌های مخفی و علنی همچنان در زندان‌ها ادامه دارد. در دوره بعد از ۸۸ بیشتر اتهامات نه وابستگی به سازمان‌ها بلکه دفاع از جنبش‌های اعتراضی و یا شرکت در آنان است. عنوان‌هایی مانند "توهین به مقدسات" "تشویش اذهان عمومی" "به خطر انداختن امنیت ملی" و..... اتهامات کلیشه‌ای از مقوله زندانیان سیاسی است.

به نظر می رسد دادگاه حمید نوری به حوادث قتل عام ۶۷ بر می‌گردد ولی هر روزه چهره‌هایی نفرت انگیز دیگری از همدستان حمید نوری که هم اکنون در مقامات بالای حکومت هستند آشکار می شود. حتی اگر پرونده این دادگاه‌ها بین‌المللی شود در شرایطی که کسانی مانند ابراهیم رئیسی در بالاترین پست‌های قدرت قرار گرفته‌اند هیچ اصلاحی امکان پذیر نیست. جمهوری اسلامی رژیم اعدام و شکنجه و زندان و تحقیر و توطئه علیه مردم، علیه آزادیخواهی و حقوق اولیه انسان‌های کارگر و زحمت‌کش بوده است. رژیم اسلامی رژیم اصلاح و تعادل و تعامل نیست. تنها با سرنگونی این حکومت آن‌هم توسط مردم مترقی و سازمان‌های انقلابی و رادیکال امکان از بین بردن شکنجه و اعدام وجود دارد. تنها و تنها سوسیالیسم است که با ارزش گذاشتن بر شخصیت انسان کارکن و مزدبگیر، کارگران و زحمت‌کشان جلوی دزدی و فساد و سرکوب اکثریت مردم را خواهد گرفت و اجازه نخواهد داد که جوانان و کارگران و روشنفکران و سازمان‌های مترقی زیر باز سانسور و سرکوب، نتوانند انرژی عظیم خود را در اختیار جامعه قرار دهند. دادگاه حمید نوری به باز بینی بر گوشه‌ای هر چند کوچک از حوادث خونبار قتل عام زندانیان سیاسی و نیز کمک می کند که جوانان نسل حاضر بیشتر به گذشته و حال رفتارهای رژیم اسلامی آگاهی یابند. اما نبرد اصلی برای از بین بردن شکنجه زندان نه در این دادگاه‌ها بلکه در کف خیابان‌ها خواهد بود. توده‌ها بارها در سال‌های متعدد در مصاف با حکومت اسلامی بخاطر بدست آوردن درخواست‌هایشان به

خیابان‌ها آمده‌اند تنها جواب رژیم سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام بوده است اما سرکوب این اعتراضات، رژیم اسلامی را منفردتر و نفرت انگیزتر کرده است. هنوز هم در زندان‌ها شاهرخ زمانی‌ها و ستار بهشتی‌ها و کشته می شوند هنوز شکنجه یکی از ارکان قوه قضائیه در برخورد به زندانیان سیاسی است، هنوز گشت‌های نیروهای انتظامی و هر پاسدار و بسیجی آتش به اختیار هستند، هنوز بازجوها و دادستان‌ها حکم قطعی زندانی را تعیین می کنند و هنوز ده‌ها وکیل شرافتمند در دفاع از زندانیان عقیدتی سیاسی خود در زندان به سر می برند. رفتارهای رژیم جمهوری اسلامی حتی با اصول بورژوازی قضائی در رابطه با قانون‌مند شدن حقوق زندانی همخوانی ندارد. این رفتارها نمونه‌هایی بربرمنشانه‌ای از رفتارها و قوانین قرون گذشته عصر برده‌داری است. رفتارهای این چنین ددمنشانه فقط وقتی انقلاب پر قدرتی علیه ضد انقلاب وجود دارد و یا در حال شکل‌گیری است رخ می نماید. اما رژیم ضد انقلابی اسلامی از همان روزهای اول با برپائی چوبه‌های اعدام در خیابان‌ها و زندان‌ها نشان داد از جنس دیگری است از جنس قرون وسطا در عصر امپریالیسم و سرمایه‌داری هار و فاشیستی.

مهران پیامی

با قدردانی از کمک‌های مالی رفقا و دوستان به حزب، ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه مالی حزب به اعضا و توده‌ها در پیشبرد مبارزات طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است در حفظ استقلال سازمانی و جدانشدن از طبقه کارگر و توده‌ها

نوروز در زمستان

سالی

نوروز

بی چلچله بی بنفشه می آید،

بی جنبش سرد برگ نارنج بر آب

بی گردش مرغانه‌ی رنگین بر آینه.

سالی

نوروز

بی گندم سبز و سفره می آید،

بی پیغام خموش ماهی از تنگ بلور

بی رقص عقیق شعله در مردنگی.

سالی

نوروز

بی خبر می آید

همراه به درکوبی مردانی

سنگینی بار سال‌هاشان بر دوش:

تا لاله‌ی سوخته به یاد آرد باز

نام ممنوع‌اش را

و تاچه‌ی گناه

دیگر بار

با احساس کتاب‌های ممنوع

تقدیس شود.

در معبر قتل عام

شمع‌های خاطره افروخته خواهد شد.

دروازه‌های بسته

به ناگاه

فراز خواهد شد

دستان اشتیاق

از دریچه‌ها دراز خواهد شد

لبان فراموشی

به خنده باز خواهد شد

و بهار

در معبری از غریب

تا شهر خسته

پیش‌باز خواهد شد.

سالی

آری

بی‌گاهان

نوروز

چنین

آغاز خواهد شد.

نوروز ۱۳۵۶ و پاییز ۱۳۷۲



دموکراسی کارگری - آنتونیو گرامشی

مقدمه مترجم:

الف. چرا از میان صدها مقاله از گرامشی، این مقاله را انتخاب کردم. به نظرم به اوضاع کنونی جنبش کارگری در ایران نزدیک و آموزنده خواهد بود.
ب. از طرفی، گذشته از مارکس، انگلس و لنین، آنتونیو گرامشی و روزا لوگزامبورگ، مورد اقبال تمامی جناح های جنبش چپ جهانی می باشند. آنتونیو گرامشی متولد ژانویه ۱۸۹۱ و در گذشته به سال ۱۹۳۷ است. او برجسته ترین رهبر و فعال سیاسی و نظریه پرداز و تئوریسین

تمامی تاریخ یک صد ساله حزب کمونیست ایتالیا می باشد.
ج. حزب کمونیست ایتالیا، پس از انقلاب اکتبر و اتفاقات اترناسیونال دوم، با انشعاب از حزب سوسیالیست ایتالیا (پایه گذاری به سال ۱۸۹۳)، در بیست و یک ژانویه ۱۹۲۱ ایجاد شد.
دموکراسی کارگری
Democrazia Operaia
مساله ای که امروزه ذهن هر سوسیالیستی را درگیر خود کرده است، که با احساس عمیق او نسبت به مسئولیت تاریخی خود و در

بقیه در صفحه ۹

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۱۱

زنان افغان و رسانه العربیه

سایت العربیه فارسی که با پول و امکانات دولت عربستان سعودی راه اندازی شده است، اخیراً مطلبی در رابطه با زنان افغانستان نوشته است که در آن چنین آمده است
زنان افغان: طالبان را به سازمان ملل راه ندهید"
فوزیه کوفی: "این بسیار ساده است. سازمان ملل باید این کرسی را به کسی بدهد که به حقوق همه در افغانستان احترام بگذارد"
در آخرین سطر خبر هم آمده است "زنان و دختران در افغانستان امیدها و رویاهای خود را بر این شورا و نهاد جهانی متکی کرده اند تا

به آنها کمک کند تا حق کار و آموزش خود را باز یابند"
تیتز مقاله به نحوی نوشته شده که گویا واقعاً نماینده زنان افغانستان در سازمان ملل سخن می گوید. وقتی شما زنانی را که سازمان ملل صحبت کرده اند را می بینید، متوجه می شوید آنها از طیف های گوناگون حکومت قبلی و یا روزنامه نگار هستند. اما اینکه عربستان و قطر که حامی طالبان و نقش اگر نگویم درجه اول، ولی برجسته ای در به قدرت رسیدن طالبان داشته اند طرفدار زنان افغان شده اند آنوقت متوجه ریاکاری

آنها می شویم. عربستان که حکومتش یکی از سرکوبگرترین حکومت های جهان بویژه در مسئله آزادی زنان است، ناگهان مدافع حقوق زنان افغان می شود. آمریکا حکومت طالبان را به رسمیت نمی شناسد و خواهان رعایت دموکراسی و حقوق بشر و غیره توسط طالبان می شود. البته از وقاحت دولت آمریکا و عربستان نباید تعجب کرد. آنچه موضوع را غم انگیز می کند، وضعیتی است که امروز زنان افغان در آن زندگی می کنند. سیاست کشورهای شیخ نشین خاورمیانه، پاکستان و ایران و آمریکا باعث به قدرت رسیدن طالبان

دادگاه حمید نوری

دادگاه حمید نوری، بازبینی بر زندگی سیاه یک رژیم مدتی است که در سوئد دادگاه حمید نوری یکی از عوامل قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ و نیز دهه ۶۰ برگزار می شود. در طی این مدت افرادی از نزدیکان، خانواده و یا بستگان و هم پندان افراد اعدام شده توسط رژیم جمهوری اسلامی، در دادگاه حاضر شده و به شهادت علیه حمید نوری پرداختند.

دادگاه بعد از بیش از ۲۰ جلسه به آلبانی رفت تا هواداران و اعضای مجاهدین نیز به عنوان شاهدین جنایات حمید نوری بتوانند حقایق را در رابطه با حمید نوری کسی که در سال های قتل عام زندانیان سیاسی در زندان اوین خدمت می کرده است و در اکثر کشتارها و جنایات رژیم در آن تاریخ شریک و فعال بوده است، بیان کنند.
همزمان دادگاه دیگری در لندن در رابطه

با جنایات رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با اعتراضات و تظاهرات آبان ماه ۱۳۹۸ در حال برگزاری است. روشن است که جنایاتی که رژیم اسلامی در طی بیش از ۴ دهه در ایران انجام داده است بسیار گسترده تر از این دادگاه ها می باشد. این دادگاه هنوز نتوانسته ابعاد دادگاه میکونوس را پیدا کند. آن هم به این دلیل ساده که حکومت های اروپایی بسیار دست به عصا و با احتیاط در برابر

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس غرّفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org